



این شماره تقدیم می‌شود به
شهید
محسن فخری زاده

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۲۳
یکشنبه ۹ فروردین ۱۴۰۵

جبهه
انرژی

کاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال

سرمقاله

بازارایی حکمرانی انرژی در سایه شوک هرمز ۲۰۲۶ و نبرد کریدورها

فراتر از همکاری‌های مقطعی، به شکل‌گیری نوعی «کنسرسیوم حکمرانی آسیایی» در حوزه انرژی بینجامد. این پروتکل می‌تواند با پیش‌دستی در مدیریت مسیرهای جایگزین در دریای عرب و دریای سرخ، ضمن به رسمیت شناختن حقوق مشروع همسایگان، یک چارچوب پایدار برای همکاری منطقه‌ای ایجاد کند. همچنین اعطای امتیازات هدفمند ترانزیتی و انرژی به بازیگران مهم آسیایی - از جمله هند از طریق بندر چابهار، کشورهای شرق آسیا و کشورهای حوزه خلیج فارس - می‌تواند آن‌ها را به ذینفعان نظم جدید انرژی تبدیل کند و نوعی توازن عملی در منطقه شکل دهد. در نهایت، ایران باید از اتکای صرف به «گلوگاه هرمز» عبور کرده و به سمت تبدیل شدن به «قطب حکمرانی مکران» حرکت کند. در چنین سناریویی، کریدور زنگرور دیگر یک تهدید تعیین‌کننده نخواهد بود، بلکه به مسیری فرعی در حاشیه «هارتلند انرژی» تبدیل می‌شود. تنها در این صورت است که سود روسیه و مساعدت چین می‌تواند نه به قیمت تضعیف ایران، بلکه در خدمت تثبیت حاکمیت پایدار ایران بر مسیرهای حیاتی انرژی جهان قرار گیرد و زمینه شکل‌گیری نظم انرژی آسیایی در افق ۲۰۳۰ فراهم شود. ♦

کشیده و پکن را در مسیر شکل‌دهی به یک نظام مالی انرژی با محوریت یوآن قرار داده است. این روند، نفوذ چین را در زنجیره ارزش انرژی جهانی به‌طور قابل توجهی افزایش داده است. در چنین شرایطی، ایران، روسیه و چین در موقعیتی قرار گرفته‌اند که می‌توانند - حتی به‌صورت محدود - یک سازوکار مشترک برای امنیت انرژی طراحی کنند. شکل‌گیری یک «پروتکل سه‌جانبه امنیت انرژی» میان این سه کشور می‌تواند به هماهنگی در حفاظت از گلوگاه‌های حیاتی انرژی، مدیریت لجستیک حمل‌ونقل و ایجاد هنجارهای مالی مشترک مبتنی بر سامانه‌هایی مانند CIPS و معاملات غیردلاری کمک کند. با این حال، فرصت راهبردی ایران در این میان فراتر از مشارکت در چنین سازوکاری است. ایران می‌تواند با ادغام ظرفیت‌های ساحلی خود در دریای عرب - به‌ویژه منطقه مکران - و اتصال آن به شبکه‌های لجستیکی دریای سرخ، یک محور ژئواکونومیک جدید ایجاد کند. چنین راهبردی امکان آن را فراهم می‌کند که وزن راهبردی کریدور زنگرور کاهش یابد و مسیرهای جنوبی به‌گزینه‌ای جذاب‌تر برای تجارت و انرژی تبدیل شوند. در این چارچوب، پیشنهاد راهبردی تدوین یک «پروتکل سه‌جانبه ایران-روسیه-چین» است که

تعیین‌کننده قدرت تبدیل شده است. در میان این تحولات، کریدور زنگرور صرفاً یک مسیر ترانزیتی ساده نیست، بلکه ابزاری ژئوپلیتیکی برای به حاشیه راندن موقعیت ایران در معادلات منطقه‌ای تلقی می‌شود. با این حال، پاسخ راهبردی به چنین تهدیدی نه در انسداد کامل این مسیر، بلکه در مدیریت هوشمندانه مسیرهای جایگزین کلان نهفته است؛ به‌ویژه ظرفیت‌های راهبردی «دریای عرب» و «دریای سرخ» که می‌توانند وزن ژئوپلیتیکی مسیرهای رقیب را کاهش دهند. در این میان، روسیه با بهره‌گیری از شرایط ایجاد شده و «موقعیت بن‌بست» ایران، تلاش کرده است انحصار نسبی خود بر مسیرهای شمالی انرژی را تقویت کند. افزایش قیمت انرژی و جهت‌گیری بیشتر بازارهای آسیایی به سوی نفت روسیه، مسکو را به بزرگ‌ترین ذینفع کوتاه‌مدت این بحران تبدیل کرده است. هم‌پوشانی تحریمی تهران و مسکو نیز هزینه‌های همکاری میان دو کشور را به حداقل رسانده و زمینه‌های جدیدی برای همگرایی ژئواکونومیک ایجاد کرده است. در سطحی گسترده‌تر، چین نیز از این تحولات برای تقویت جایگاه مالی خود در بازار انرژی استفاده کرده است. تبدیل بخشی از معاملات نفتی به یوآن، به‌تدریج نظم مالی مبتنی بر دلار را به چالش

♦ | بحران «شوک هرمز» در سال ۲۰۲۶ و وقوع «جنگ رمضان» میان ایران، آمریکا و اسرائیل، نقطه عطفی در معماری امنیت انرژی جهان ایجاد کرده است. تنگه هرمز که حدود ۲۰ درصد نفت جهان و بخش بزرگی از تجارت LNG از آن عبور می‌کند، با اختلال در تردد بیش از سه هزار کشتی، بازار انرژی را با شوکی چندمرحله‌ای مواجه ساخت؛ شوکی که به دلیل دوره تقریباً یک‌ماهه انتقال نفت از مبادی صادراتی تا پالایشگاه‌ها، اثر واقعی آن با تأخیر اما به‌صورت عمیق در بازارهای جهانی آشکار می‌شود. در این وضعیت، قیمت نفت به آستانه ۱۱۵ دلار نزدیک شد و هزینه‌های بیمه‌گری دریایی چند برابر افزایش یافت. این آشفتگی، اقتصادهای انرژی‌بر آسیا به‌ویژه چین، هند و اروپا در موقعیتی شکننده قرار داد، اما هم زمان بستری برای شکل‌گیری ترتیبات نوین در حکمرانی انرژی نیز فراهم کرد. بازارهای جهانی در حالی با «تأخیر تقریباً یک ماهه» در حال هضم پیامدهای اختلال در تنگه هرمز در فوریه ۲۰۲۶ هستند که لایه‌های پنهان «جنگ رمضان» فراتر از یک درگیری صرفاً نظامی، نشانه‌های یک بازارایی خشن در نظم انرژی جهان را آشکار کرده است. در این چارچوب، رقابت بر سر مسیرهای ترانزیتی و کریدورهای ژئواکونومیک به یکی از مؤلفه‌های

تنگه هرمز را کاهش دهد. این خط لوله حدود ۱۲۰۰ کیلومتر طول دارد و نفت میادین شرق عربستان را به بندر نیج در ساحل دریای سرخ منتقل می‌کند. با کاهش صادرات نفت سعودی از ۷.۰ تا ۴.۳ میلیون بشکه در روز در پی تنش‌های اخیر، سهم صادرات از مسیر دریای سرخ به شکل قابل توجهی افزایش یافته و اکنون بخش عمده صادرات باقی‌مانده از همین مسیر انجام می‌شود. از این منظر، اگر انصارالله علاوه بر تهدید باب‌المندب، زیرساخت‌هایی مانند خط لوله شرق-غرب را نیز هدف قرار دهد، معادله انرژی در منطقه وارد مرحله‌ای کاملاً جدید خواهد شد. چنین اقدامی می‌تواند ظرفیت صادراتی عربستان را به شدت محدود کرده و در عین حال بازار جهانی نفت را با شوک عرضه مواجه کند. نتیجه احتمالی این وضعیت، افزایش قیمت نفت، تشدید نگرانی‌های امنیت انرژی در اروپا و آسیا و افزایش فشار قدرت‌های جهانی برای مهار بحران خواهد بود. به بیان دیگر، جنگ جاری تنها یک تقابل نظامی نیست؛ بلکه به تدریج به نبردی بر سر گلوگاه‌های انرژی و کنترل مسیرهای حیاتی تجارت جهانی تبدیل می‌شود. اگر این روند ادامه یابد، دریای سرخ و باب‌المندب می‌توانند به یکی از مهم‌ترین میدان‌های ژئوپلیتیکی انرژی در بحران کنونی تبدیل شوند.

ورود رسمی انصارالله یمن به درگیری با رژیم صهیونیستی را باید فراتر از یک اقدام نظامی محدود ارزیابی کرد؛ این تحول در واقع گسترش جغرافیای جنگ به یکی از حساس‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان است. شلیک موشک به سمت ایلات و نقب، در سطح نظامی پیام همبستگی محور مقاومت را منتقل می‌کند، اما اهمیت راهبردی‌تر آن در پیوند خوردن میدان نبرد با امنیت انرژی و مسیرهای حیاتی انتقال نفت است. تنگه باب‌المندب که روزانه حدود ۸.۶ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی از آن عبور می‌کند، سومین گلوگاه مهم نفتی جهان پس از تنگه هرمز و مالاکا محسوب می‌شود. هرگونه تهدید یا انسداد این تنگه نه تنها تجارت نفت میان خلیج فارس و اروپا را مختل می‌کند، بلکه مسیرهای حمل‌ونقل دریایی در دریای سرخ و کانال سوئز را نیز تحت فشار قرار می‌دهد. تجربه حملات پیشین انصارالله به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ نشان داده که حتی بدون انسداد کامل تنگه، افزایش ریسک امنیتی می‌تواند هزینه بیمه، زمان حمل و قیمت انرژی در بازارهای جهانی را به شکل قابل توجهی افزایش دهد. در این میان، عربستان سعودی تلاش کرده است با اتکا به خط لوله شرق-غرب (East-West Pipeline) بخشی از وابستگی خود به

نبرد بر سر گلوگاه‌های انرژی تنگه باب‌المندب؛ گره تازه جنگ رمضان در بازار جهانی انرژی



خبرخوان

● شرکت بیکر هیوز: حفاران آمریکایی برای دومین هفته متوالی تعداد دکل‌های نفت و گاز را کاهش داده‌اند است.

● سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس: امنیت به طور کامل در جزیره خاگ برقرار است و صادرات نفت بدون هیچ مشکلی در جریان است.

● بلومبرگ: جهش قیمت انرژی منجر به کاهش قیمت طلا می‌شود.

● مجتمع پالایشگاه باپکو، در منطقه الرفاع یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های انرژی بحرین مورد حمله قرار گرفت.

● در جریان معاملات روز گذشته نرخ متانول CFR چین به بالاترین حد سه سال گذشته رسید و رشد بیش از ۱۰٪ رقم زد!